

روستا و توسعه، سال ۲۳، شماره ۸۹، بهار ۱۳۹۹

DOI: 10.30490/RVT.2020.253771.0

## تأثیر تغییر سیاست‌های یارانه‌ای بر فقر غذایی در جامعه روستایی استان فارس در فاصله سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳

عبدالرسول شیروانیان<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۴

### چکیده

در ایران، در آذرماه سال ۱۳۸۹، سیاست اعطای یارانه از رویکرد همگانی به رویکرد هدفمند تغییر کرد. بدیهی است این تغییر سیاست بر وضعیت فقر غذایی در جامعه روستایی تأثیر می‌گذارد. از این رو، هدف مطالعه حاضر بررسی پیمایشی تأثیر این تغییر سیاست بر فقر غذایی در جامعه روستایی استان فارس بود. در این راستا، از هرم غذایی به‌عنوان راهنمای برنامه غذایی متعادل و از شاخص‌های فقر غذایی در چارچوب رویکرد چندبعدی فقر شامل شاخص

---

۱- استادیار بخش تحقیقات اقتصادی، اجتماعی و ترویجی، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان فارس، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، شیراز، ایران.

(rasoolshirvanian@yahoo.com)

نسبت سرشمار و شاخص نسبت شکاف فقر غذایی استفاده شد. داده‌های لازم از طرح هزینه-درآمد خانوارهای روستایی در سال‌های ۱۳۸۷، ۱۳۸۹، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۳ به دست آمد. نتایج نشان داد که سیاست‌های یارانه‌ای (صرف نظر از نوع آن) ابزاری مؤثر برای کاهش نرخ و عمق فقر غذایی در گروه‌های غذایی جامعه روستایی است؛ همچنین، تغییر در سیاست یارانه‌ای موجب افزایش ۱۰/۹۸ درصدی نرخ فقر غذایی و ۲۳/۰۲ درصدی عمق فقر غذایی در گروه چربی‌ها و نیز به ترتیب، افزایش ۱۰/۱۰ و ۲۹/۳۱ درصدی در گروه قندها و کاهش ۳۱/۰۳ و ۳۸/۱۷ درصدی در گروه غلات شده است. بر این اساس، در راستای بهبود و ارتقای اثربخشی سیاست هدفمندی یارانه‌ها در مقابله با فقر غذایی، پرداختن به ابزارهای تکمیلی از قبیل سیاست‌های جبرانی و افزایش سطح سواد تغذیه‌ای خانوارها ضروری می‌نماید.

**کلیدواژه‌ها:** یارانه، فقر غذایی، رویکرد چندبعدی فقر، هرم غذایی، فارس (استان).

## مقدمه

امنیت غذایی در سطح خانوارها در دهه ۱۹۸۰ و با اهتمام نهادهای بین‌المللی از جمله فائو مورد توجه قرار گرفته است (FAO, 2001). توجه به امنیت غذایی در سطح خانوارها بدان علت است که به‌رغم بالا بودن عرضه غذا در سطح ملی و بین‌المللی، گروه‌هایی از خانوارها وجود دارند که به غذای کافی دسترسی ندارند. نبود امنیت غذایی به گونه‌ای مزمن در سطح خانوارها بر یک جریان مستمر عدم تکافوی مواد غذایی متمرکز است که از آن با عنوان «فقر غذایی» یاد می‌شود (Koochi, 2014; Noori-Naeini, 1999). بر این اساس، مقابله با فقر غذایی در سطح خانوارها نقطه شروع برنامه‌ریزی برای نیل به امنیت غذایی در سطح جوامع تلقی می‌شود (Ghasemi, 2004). از این رو، مقابله با فقر غذایی خانوارها معمولاً از مهم‌ترین اهداف سیاست‌های یارانه‌ای دولت‌هاست (Jafari-Sani and Bakhshoudeh, 2008). اما، از بعد اقتصادی، سیاست‌های یارانه‌ای دولت‌ها، از یک سو، با تحریف قیمت‌ها مانع تخصیص بهینه منابع می‌شود و از سوی دیگر، با ایجاد کسری

تأثیر تغییر سیاست‌های یارانه‌ای بر فقر غذایی در.....

بودجه و افزایش هزینه‌های اجتماعی، آثاری نامطلوب در اقتصاد بر جای می‌گذارد (Khoshdel and Abbasi, 2016). همچنین، باید توجه داشت که اتخاذ تدابیر نامناسب در اجرای سیاست‌های یارانه‌ای ممکن است روی کارآیی یارانه‌ها در کاهش فقر نیز تأثیر گذار باشد و به جای کاهش فقر، منجر به افزایش آن در جامعه شود (Irevani, 2009; MEAF, 2009). بر این اساس، رصد تأثیر سیاست‌های یارانه‌ای و نیز تأثیر تغییر این سیاست‌ها بر چگونگی فقر در جامعه از اهمیت به‌سزا برخوردار است.

در این راستا، بوراتینسکا و حسین‌اف (Boratynska and Huseynov, 2017) به تحلیل و تبیین سیاست‌های امنیت غذایی در کشورهای در حال توسعه پرداخته، نتیجه گرفتند که کشورهای در حال توسعه رویه‌ای واحد را برای تأمین امنیت غذایی دنبال نمی‌کنند؛ و به‌طور کلی، در این کشورها، عمده سیاست‌های دخالت مستقیم به‌منظور تضمین امنیت غذایی شامل تغییر در ساختار قیمت‌ها و یارانه هدفمند است. در این زمینه، به گفته دوروکس و همکاران (Devereux et al., 2005)، هدف از رویکرد هدفمندسازی یارانه‌ها در عرصه سیاست‌های تأمین اجتماعی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، از یک‌سو، حمایت از همه گروه‌های نیازمند و آسیب‌پذیر زیر پوشش این حمایت‌ها و از سوی دیگر، عدم برخورداری افراد غیر آسیب‌پذیر که جزو گروه هدف سیاست‌های حمایتی نیستند، از این حمایت‌هاست. نتایج مطالعه رمضان و توماس (Ramadan and Thomas, 2011)، در ارزیابی تأثیر اصلاح برنامه یارانه غذا در مصر نیز نشان می‌دهد که گروه‌های کم‌درآمد درصد بالایی از هزینه غذایی خود را صرف غلات، آرد یارانه‌ای، نان و حبوبات می‌کنند و حذف یارانه برخی مواد غذایی منجر به کاهش ناهمگن در رفاه مصرف‌کنندگان شده است. همچنین، بر پایه نتایج بررسی ترگو (Trego, 2011)، در زمینه عملکرد نظام یارانه غذایی مصر، به دلیل ارائه نان به قیمت پایین در قالب این نظام یارانه‌ای، تقاضای این کالا افزایش یافته و صف‌های طولانی برای آن به‌وجود آمده است. در این راستا، به باور دوروکس (Devereux, 2016)، برنامه‌های حمایت اجتماعی در مدیریت امنیت غذایی و کاهش آسیب‌پذیری ناشی از آن مؤثر بوده است؛ و چنانچه برنامه‌های حمایت

اجتماعی در جامعه هدف با عدالت اجتماعی همراه باشد، تقویت و بهبود امنیت غذایی را در پی خواهد داشت.

در ایران نیز بر اساس نتایج مطالعه قاسمی (Ghasemi, 2004)، در زمینه سیاست‌های غذایی در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰، سیاست‌های غذایی تدوین و اجرا شده در راستای تأمین امنیت غذایی کارآیی لازم را نداشته‌اند. در این سیاست‌ها، کالاهای تأمین‌کننده اصلی کالری از قبیل نان، قند و شکر و روغن از سیاست‌های حمایتی دولت برخوردار بوده و عرضه و تقاضای کالاهای دیگر به‌ویژه گوشت، سبزی و میوه با استفاده از سازوکار بازار صورت گرفته است؛ بدین ترتیب، در سبد غذایی خانوارهای کم‌درآمد، کالاهای نشاسته‌ای و انرژی‌زا جایگزین گوشت و لبنیات شده و بروز مشکل فقر غذایی در کشور انجامیده است. همچنین، بر پایه نتایج مطالعه دینی ترکمانی (Dini-Torkamani, 2005)، به‌طور کلی، از آنجا که ارزش واقعی یارانه‌های دریافتی توسط خانوارها به‌طور معمول افزایش نمی‌یابد، اغلب اثر خالص جایگزینی یارانه‌های هدفمند به‌جای یارانه‌های همگانی در برنامه‌های تعدیل تشدید فقر بوده است. البته نتایج مطالعه شیروانیان (Shirvanian, 2012) در زمینه فقر روستایی با استفاده از رویکرد چندبعدی فقر و داده‌های طرح هزینه و درآمد خانوارهای روستایی در سال ۱۳۸۷ حاکی از آن است که سیاست یارانه همگانی موجب کاهش فقر غذایی خانوارهای روستایی در گروه‌های غذایی مشمول یارانه شده است. نتایج مطالعه خوشدل و عباسی (Khoshdel and Abbasi, 2016)، با مقایسه مصرف کالاهای اساسی در خانوارهای فقیر و متوسط شهری ایران قبل و بعد از نقدی‌سازی یارانه‌ها از ابتدای سال ۱۳۸۶ تا پایان سال ۱۳۹۰، نشان می‌دهد که پس از هدفمند کردن یارانه‌ها، مصرف تمام کالاهای مورد بررسی در خانوارهای فقیر و متوسط کاهش داشته است؛ اما این مطالعه در خصوص تغییرات فقر غذایی خانوارها اظهار نظری نمی‌کند.

در ایران، در راستای طرح تحول اقتصادی، مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی روز سه‌شنبه پانزدهم دی‌ماه ۱۳۸۸ قانون هدفمندسازی یارانه‌ها را به تصویب رساند. این قانون، در ۲۳ دی‌ماه همان سال، به تأیید شورای نگهبان رسید و برای اجرا به دولت ابلاغ شد

تأثیر تغییر سیاست‌های یارانه‌ای بر فقر غذایی در.....

(MEAF, 2009). با توجه به نقش بسیار مهم مواد غذایی در زندگی روزمره و پرداخت یارانه قابل توجه به آن در کشور (MWSS, 2008; Najafi, 2007)، هدفمندسازی یارانه مواد غذایی از مواردی است که در این قانون، به‌عنوان یک ضرورت مطرح شده است. بر اساس مواد چهار و پنج قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، دولت مکلف به هدفمند کردن تدریجی یارانه مواد غذایی تا پایان پنجمین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران شده است (MEAF, 2009). قانون یادشده در آذرماه سال ۱۳۸۹ توسط دولت اجرا و سیاست اعطای یارانه از رویکرد همگانی به رویکرد هدفمند تغییر کرد. تا قبل از این تغییر رویکرد، در سطح خانوارهای روستایی، گروه‌های غذایی چربی‌ها (در قالب روغن نباتی)، قندها (در قالب قند و شکر) و غلات (در قالب برنج و نان) مشمول یارانه مصرفی همگانی بوده است. با اجرایی شدن قانون هدفمندی یارانه‌ها، یارانه مصرفی اعطایی به گروه‌های غذایی چربی‌ها و قندها حذف شد؛ یارانه مصرفی گروه غذایی غلات در قالب برنج حذف و در قالب نان کاهش یافت و هر فرد ایرانی مشمول دریافت مبلغ ۴۵۵۰۰۰ ریال یارانه نقدی شد (Khoshdel and Abbasi, 2016; Shirvanian, 2012). چنان‌که ملاحظه می‌شود، در برنامه هدفمندی یارانه‌ها در ایران نیز طبق رویه متداول در هدفمندسازی یارانه‌ها، حمایت قیمتی کالاهای مشمول یارانه کاهش یافته و به حمایت درآمدی تغییر وضعیت داده است. به عقیده بیبی و داکلاس (Bibi and Duclos, 2007)، نمی‌توان به‌صراحت در مورد به نفع یا به زیان فقرا بودن چنین برنامه‌هایی اظهار نظر کرد و تأثیر این برنامه‌ها بر فقر در هاله‌ای از ابهام قرار داشته و نیازمند انجام مطالعات است.

از سوی دیگر، بر پایتج نتایج مطالعات سطح فقر و ناامنی غذایی در ایران و از آن جمله مطالعه دینی ترکمانی (Dini-Torkmani, 1996) با موضوع بررسی وضعیت فقر غذایی در ایران، بر مبنای معیار تغذیه نرمال و با در نظر گرفتن سهم یارانه‌های خوراکی، ۵۵ درصد از جامعه شهری و ۶۵ درصد از جامعه روستایی در سال ۱۳۷۳ زیر خط فقر قرار داشتند. همچنین، بر اساس نتایج مطالعه نجفی و شوشتریان (Najafi and Shoushtarian, 2004)، در بررسی وضعیت فقر غذایی با

بهره‌گیری از شاخص‌های فقر FGT<sup>۱</sup> و بر مبنای نیاز روزانه افراد به دو هزار کالری مواد غذایی، در خانوارهای شهر ارسنجان، ۳۷/۶ درصد خانوارها دچار ناامنی غذایی بودند. نتایج مطالعه جعفری ثانی و بخشوده (Jafari-Sani and Bakhshoudeh, 2008) در زمینه فقر و ناامنی غذایی در ایران با استفاده از داده‌های هزینه-درآمد خانوار در سال ۱۳۸۲ با به‌کارگیری شاخص‌های فقر FGT مبتنی بر پروتئین، کالری، و کربوهیدرات موجود در سبد غذایی خانوارها، نشان داد که در مقایسه با مناطق شهری، وضعیت امنیت غذایی در مناطق روستایی مناسب نیست؛ و از نظر تغذیه، مواد غذایی کم‌ارزش جای مواد غذایی باارزش را در سبد غذایی خانوار گرفته است. همچنین، پورطاهری و همکاران (Poortaheri et al., 2011)، در بررسی فقر غذایی در بخش خلیجستان استان قم با استفاده از شاخص مصرف کالری روزانه برای تعیین فقر غذایی، نشان دادند که ۵۸ درصد خانوارهای روستایی دچار فقر غذایی به‌صورت مزمن بوده و از کیفیت مطلوب به‌ویژه در زمینه مصرف سبزی، میوه، شیر، لبنیات و گوشت برخوردار نیستند؛ همچنین، در این مطالعه، این‌گونه عنوان شده که برای شناخت وضع موجود فقر غذایی خانوارهای روستایی، انجام تحقیقات در مناطق مختلف به‌ویژه در راستای هدفمندسازی یارانه‌ها از اهمیت خاص برخوردار است. توکلی‌تبار و همکاران (Tavakoli-Tabar et al., 2014)، با ضروری دانستن محاسبه فقر غذایی در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران به‌منظور قضاوت در خصوص اثر سیاست‌های ضد فقر در طول زمان، به واکاوی فقر غذایی زنان روستایی در روستاهای بخش مرکزی شهرستان بویراحمد در سال ۱۳۹۲ پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که حدود ۳۱ درصد از زنان مورد مطالعه دچار فقر غذایی بوده‌اند. همچنین، بر پایه نتایج مطالعه نجفیان‌زاده و همکاران (Najafianzadeh et al., 2015)، شیوع ناامنی غذایی در خانوارهای روستایی شهرستان اراک در سطح بالا بوده و حمایت تغذیه‌ای در مناطق روستایی به‌ویژه حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر و محروم ضروری است. افتخاری و کرمی

---

1. Foster-Greer-Thorbecke (FGT)

تأثیر تغییر سیاست‌های یارانه‌ای بر فقر غذایی در.....

(Eftekhari and Karami, 2014)، با استفاده از شاخص‌های فقر FGT برای تحلیل داده‌ها، به بررسی وضعیت فقر در مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد پرداختند و بدین نتیجه رسیدند که ۳۱/۳ درصد خانوارهای روستایی دچار فقر غذایی هستند. جمینی و همکاران (Jamini et al., 2017) نیز با استفاده از روش کیفی در سنجش وضعیت امنیت غذایی در بین کشاورزان در بخش مرکزی شهرستان روانسر، بدین نتیجه رسیدند که ۷۸/۹ درصد کشاورزان مورد مطالعه به درجات مختلف (بدون گرسنگی، با گرسنگی متوسط و با گرسنگی شدید) ناامنی غذایی را تجربه می‌کنند. همچنین، اکبرپور و همکاران (Akbarpoor et al., 2016)، با بررسی کیفی وضعیت امنیت غذایی در شهرستان مرودشت، بدین نتیجه رسیدند که ۷۳/۸ درصد خانوارها در سطوح مختلف ناامنی غذایی به‌سر می‌برند؛ این ناامنی در خانوارهای روستایی بیش از خانوارهای شهری بوده و برنامه غذایی همه خانوارهای روستایی نامطلوب است. علاوه بر آن، اعظمی و همکاران (Aazami et al., 2017)، با بررسی کیفی وضعیت ناامنی غذایی در جامعه روستایی استان خوزستان، نتیجه گرفتند که ۷۳/۲۷ درصد خانوارهای روستایی در ناامنی غذایی به‌سر می‌برند.

همچنین، بر پایه نتایج برخی از پژوهش‌ها در استان فارس و از آن جمله مطالعات جعفری ثانی و بخشوده (Jafari Sani and Bakhshoudeh, 2008)، شیروانیان و ترکمانی (Shirvanian and Torkamani, 2010)، شیروانیان و نجفی (Shirvanian and Najafi, 2011) و یوسفی و همکاران (Yousefi et al., 2015)، این استان دچار فقر روستایی بوده و از آن رنج می‌برد. بر اساس مطالعه جعفری ثانی و بخشوده (Jafari Sani and Bakhshoudeh, 2008)، در این استان، فقر روستایی از میانگین کل کشور نامطلوب‌تر است و ۳۴/۵۵ درصد خانوارهای روستایی در فقر به‌سر می‌برند. در این راستا، نتایج مطالعه شیروانیان و ترکمانی (Shirvanian and Torkamani, 2010)، در مناطق روستایی استان فارس، نشان می‌دهد که نسبت سرشمار فقر روستایی ۴۸/۳۳ درصد و شکاف فقر در مناطق روستایی این استان ۳۵/۴۰ درصد است. همچنین، شیروانیان و نجفی (Shirvanian and Najafi, 2011) نشان دادند که

حدود ۴۵ درصد از روستاییان ساکن در محدوده شبکه آبیاری و زهکشی درودزن واقع در استان فارس دچار فقرند. بررسی یوسفی و همکاران (Yousefi et al., 2015) نیز نشان می‌دهد که شکاف فقر روستایی در استان فارس به ۳۱ درصد می‌رسد.

با عنایت به مجموعه نکات پیش گفته، از آنجا که در مطالعه توکلی تبار و همکاران (Tavakoli-Tabar et al., 2014) نیز قضاوت در خصوص اثربخشی سیاست‌های فقرزدایی در طول زمان در ایران منوط به بررسی وضعیت فقر غذایی در جامعه دانسته، هدف مطالعه حاضر بررسی تأثیر سیاست‌های یارانه‌ای بر فقر غذایی در جامعه روستایی استان فارس بوده و در همین راستا، بر آن است که به تشریح وضعیت شاخص‌های فقر غذایی خانوارهای روستایی این استان در هر کدام از گروه‌های غذایی قبل از هدفمندسازی یارانه‌ها (در شرایط یارانه همگانی) و نیز سنجش تغییرات این شاخص‌ها در هر کدام از گروه‌های غذایی بعد از هدفمندسازی یارانه‌ها پردازد.

البته به باور صالحی (Salehi, 2007) و پارک (Park, 2011)، مهم‌ترین اقدام واقعی برای کاهش و رفع دائمی معضل فقر غذایی، تأمین غذای کافی برای خانواده‌های درگیر با فقر غذایی با استفاده از تغذیه متعادل است. نیل به تغذیه متعادل نیز به نوبه خود نیازمند راهنماهای غذایی است. در این راستا، دو نوع راهنمای غذایی شامل هرم غذایی و فهرست جانشینی مواد غذایی وجود دارد. فهرست جانشینی مواد غذایی، بیشتر در درمان بیماری‌ها و کنترل وزن کاربرد دارد، اما کاربرد هرم غذایی گسترده‌تر است (Salehi, 2007). هرم غذایی، با تأکید بر مصرف کافی مواد مغذی در قالب مقادیر توصیه شده گروه‌های مواد غذایی، بهترین راهنما برای تعدیل الگو و عادات غذایی آحاد جامعه بوده و مطالعات متعدد، از هرم غذایی به عنوان مبنای ارزیابی وضعیت تغذیه استفاده شده است (Bachman et al., 2008; Champagne et al., 2004; Champagne et al., 2007; Heneman et al., 2005; Kilanowski and Moore, 2010). این هرم با تنوع غذایی موجود در آن، مواد غذایی کافی را فراهم کرده، می‌تواند از کمبود دریافت مواد مغذی پیشگیری کند (Azadbakht and Esmaeilzadeh, 2009; Hatloy et al., 1998).



ایران نیز مطالعات متعدد از هرم غذایی و گروه‌های اصلی مواد غذایی موجود در آن به‌عنوان مبنای مناسب برای بررسی وضعیت تغذیه گروه‌های مختلف جامعه استفاده کرده و به ارزیابی انحراف وضعیت تغذیه افراد بر اساس توصیه‌های تغذیه‌ای این هرم پرداخته‌اند (Ahmadi et al., 2009; Hazavehei et al., 2009; Mirmiran et al., 2003; Sodeifi, 2007). از این‌رو، در مطالعه حاضر، برای محاسبه فقر غذایی، از شاخص فقر غذایی مبتنی بر تأمین مواد غذایی در حد نرمال و متعادل در گروه‌های مختلف غذایی استفاده شده است.

از سوی دیگر، در قرن گذشته، پیشرفت مهمی در ادبیات فقر صورت گرفته است. این پیشرفت، حرکت از رویکرد تک‌بعدی به سمت رویکرد چندبعدی فقر بوده است (Alkire and Foster, 2011; Bossert et al., 2009). در رویکرد چندبعدی، برای اندازه‌گیری فقر، به‌جای استفاده از صرفاً یک شاخص، از ابعاد مختلف بازتاب‌دهنده ساختار فقر استفاده می‌شود (Alkire, 2007; Bourguignon and Chakravarty, 2003). بر این اساس، در زمینه فقر غذایی نیز هر خانوار در تغذیه خود از تعدادی گروه غذایی استفاده می‌کند. اگر خانوار، در یک گروه غذایی، کمتر از مقدار نیاز نرمال و متعادل مصرف کند، آن خانوار دچار فقر غذایی است (Bossert et al., 2009; Bourguignon and Chakravarty, 2003; Sen, 1992; Tsui, 2002). این رویکرد با عنوان «رویکرد چندبعدی فقر غذایی» شناخته می‌شود. از این‌رو، در تحقیق حاضر، به‌منظور پرداختن به فقر غذایی خانوارهای روستایی استان فارس در گروه‌های مختلف غذایی و تعیین شاخص فقر غذایی در هر کدام از این گروه‌ها، از رویکرد چندبعدی فقر غذایی استفاده شده است.

## مواد و روش‌ها

در مطالعه حاضر، برای پرداختن به فقر غذایی خانوارهای روستایی استان فارس در گروه‌های غذایی مبتنی بر تأمین مواد غذایی در حد نرمال و متعادل در چارچوب رویکرد

چندبعدی فقر غذایی، شاخص فقر غذایی برای هر خانوار روستایی به صورت رابطه (۱) بیان شده است:

$$FP_{ij} = \begin{cases} FR_{ij} - FC_{ij} & \text{if } FC_{ij} < FR_{ij} \\ 0 & \text{and } FC_{ij} \geq FR_{ij} \end{cases} \quad j = 1, 2, \dots, n. \quad (1)$$

که در آن  $FP_{ij}$  شاخص فقر غذایی بیانگر میزان فقر غذایی خانوار  $i$  ام در گروه غذایی  $j$  ام،  $FR_{ij}$  میزان توصیه شده مصرف مواد غذایی خانوار  $i$  ام از گروه غذایی  $j$  ام با توجه به ترکیب سنی و جنسیتی آن خانوار، و  $FC_{ij}$  میزان مصرف خانوار  $i$  ام از گروه غذایی  $j$  ام است. در رابطه (۱)، میزان توصیه شده مصرف مواد غذایی برای هر خانوار بر اساس برنامه غذایی متعادل آن خانوار محاسبه شد. در تدوین این برنامه غذایی، توصیه‌های هرم غذایی مبتنی بر سن و جنسیت با توجه به ترکیب سنی و جنسیتی اعضای خانوارها مورد استفاده قرار گرفت، بدین ترتیب که بر اساس هرم غذایی، متغیرهای مطالعه در برگیرنده پنج گروه غذایی شامل لبنیات (شیر و فرآورده‌های آن به جز کره)، گروه گوشت و جانشین‌های آن (گوشت‌ها شامل انواع گوشت‌ها و فرآورده‌های آن و جانشین‌های گوشت شامل تخم پرندگان، حبوبات و مغزها)، گروه غلات (انواع غلات، نان‌ها، آرد، رشته و فرآورده‌های آن)، گروه سبزی‌ها (انواع سبزی‌های برگ‌ی و سبزی‌های ریشه‌ای)، و گروه میوه‌ها (انواع میوه‌های درختی و میوه‌های جالیزی) است. اگرچه در هرم غذایی، گروه چربی‌ها و روغن‌ها و نیز گروه قندها به‌عنوان گروه‌های واقعی تلقی نمی‌شوند و توصیه‌ها نیز حاکی از آن است که میزان مصرف آنها با احتیاط و به مقدار مقتضی صورت پذیرد (Alexopoulos et al., 2008; INF, 2010; SCI, 2019)، اما در مطالعات تغذیه، این دو گروه نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند (MOHME, 2004; Ebadi, 2004). بر این اساس، در مطالعه حاضر، علاوه بر گروه‌های پنج‌گانه اصلی مواد غذایی، دو گروه اخیر (چربی‌ها و قندها) نیز در قالب متغیرهای مطالعه مورد توجه قرار گرفتند. گروه چربی‌ها شامل انواع روغن‌ها، انواع چربی‌ها و انواع کره بوده و گروه قندها شامل انواع قندها، انواع شکرها، انواع مرباها و انواع شیرینی‌هاست (SCI, 2019).

تأثیر تغییر سیاست‌های یارانه‌ای بر فقر غذایی در.....

همچنین، توجه بدین نکته ضروری است که در ایران، هرم راهنمای غذایی و رهنمودهای غذایی با همکاری مشترک دفتر بهبود تغذیه جامعه، معاونت سلامت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور، و انجمن تغذیه ایران، در سال ۱۳۸۵ تهیه و تنظیم شده است؛ اما این هرم از توانایی تعدیل نیازهای غذایی افراد بر اساس سن و جنسیت آنها برخوردار نیست (INF, 2010). از این رو، در مطالعه حاضر، مطابق مطالعه الکسوپولوس و همکاران (Alexopoulos et al., 2008)، از هرم غذایی با توانایی تعدیل بر اساس سن و جنسیت استفاده شد. در این هرم، میزان توصیه شده هر کدام از گروه‌های غذایی با توجه به سن و جنسیت افراد استخراج شد (جدول ۱). همچنین، میزان توصیه شده گروه چربی‌ها ۴۵ گرم و گروه قندها، پنجاه گرم در روز در نظر گرفته شد (MOHME, 2004). شایان یادآوری است که با توجه به امکان جانشینی مواد غذایی در هر کدام از گروه‌های غذایی با یکدیگر، در محاسبه میزان مصرف سرانه هر خانوار از هر گروه غذایی، از ضرائب تبدیل مواد غذایی در هر گروه غذایی استفاده شد (Ghaffarpour et al., 1999).

جدول ۱- تعداد واحد توصیه شده هر گروه غذایی در شبانه‌روز بر حسب سن و جنسیت

گروه سنی (سال) و جنسیت افراد									
گروه‌های غذایی	۳ تا ۴		۸ تا ۹		۱۳ تا ۱۴		۱۸ تا ۱۹		بیش از ۵۰
	پسر و دختر	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد
تعداد واحد غذایی توصیه شده در شبانه‌روز									
سبزی‌ها	۲	۲/۵	۳	۳/۵	۴	۳/۵	۴	۴ تا ۳/۵	۵ تا ۴
میوه‌ها	۲	۲/۵	۳	۳/۵	۴	۳/۵	۴	۴ تا ۳/۵	۵ تا ۴
غلات	۳	۴	۶	۶	۷	۶	۷	۷ تا ۶	۸
گوشت و جانشین‌ها	۱	۱	۱ تا ۲	۲	۳	۲	۳	۲	۳
لبنیات	۲	۲	۴ تا ۳	۴ تا ۳	۴ تا ۳	۴ تا ۳	۴ تا ۳	۲	۳

مأخذ: الکسوپولوس و همکاران (Alexopoulos et al., 2008)

تعیین وضعیت فقر غذایی در هر کدام از شاخص‌های فقر غذایی در سطح جامعه روستایی استان فارس نیازمند تعیین شاخص‌های نسبت سرشمار<sup>۱</sup> و نسبت شکاف فقر<sup>۲</sup> است. این دو شاخص مکمل یکدیگرند. شاخص نسبت سرشمار فقر غذایی نشان‌دهنده توزیع فراوانی خانوارهای دچار فقر غذایی در جامعه روستایی استان است، اما نمی‌تواند عمق فقر غذایی در سطح این جامعه را بیان کند. شاخص نسبت شکاف فقر غذایی، برخلاف شاخص نسبت سرشمار، به درصد فراوانی خانوارهای روستایی دچار فقر غذایی کاملاً غیرحساس است و اظهار نظری در این مورد نمی‌کند، اما به بیان عمق فقر غذایی در سطح جامعه روستایی استان می‌پردازد. مقدار شکاف فقر غذایی بیانگر میزان مساعدت مورد نیاز به خانوارهای روستایی استان فارس برای خروج آنها از فقر غذایی است. مجموعه شاخص‌های فقر FGT از متداول‌ترین شاخص‌های فقر به‌شمار می‌روند (Foster et al., 2010). در بررسی فقر غذایی، هادینوت (Hoddinott, 1999)، نجفی و شوشتریان (Najafi and Shoushtarian, 2004)، جعفری ثانی و بخشوده (Eftekhari and Karami, 2014) و افتخاری و کرمی (Jafari-Sani and Bakhshoudeh, 2008) از مجموعه شاخص‌های فقر FGT استفاده کرده‌اند. از این‌رو، در مطالعه حاضر نیز به‌منظور بررسی فقر غذایی در سطح جامعه روستایی استان فارس، از همین مجموعه شاخص‌ها در قالب رابطه (۲) استفاده شده است:

$$FGT_{NFP_j} = P(\alpha) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \left( \frac{FR_{ij} - FC_{ij}}{FR_{ij}} \right)^\alpha \quad (2)$$

که در آن،  $FGT_{NFP_j}$  شاخص‌های فقر غذایی در گروه غذایی  $j$ ام در کل نمونه مورد مطالعه،  $n$  تعداد کل خانوارهای نمونه مورد مطالعه و  $q$  تعداد خانوارهای دچار فقر غذایی در گروه غذایی  $j$ ام است. سایر متغیرها نیز پیش‌تر در رابطه (۱) تعریف شده‌اند. در رابطه (۲)،  $\alpha$  پارامتری است که با توجه به مقدار آن، می‌توان هر کدام از شاخص‌های نسبت سرشمار فقر غذایی و نسبت شکاف فقر غذایی را تعیین کرد. چنانچه مقدار پارامتر  $\alpha$  برابر با صفر یا یک باشد، به ترتیب،

- 
1. headcount ratio
  2. poverty gap ratio

تأثیر تغییر سیاست‌های یارانه‌ای بر فقر غذایی در.....

شاخص نسبت سرشمار (نرخ فقر غذایی) یا شاخص نسبت شکاف فقر (عمق فقر غذایی) به دست می‌آید (Foster et al., 2010).

شایان یادآوری است که به منظور بررسی و تعیین نرخ تغییرات در شاخص‌های فقر غذایی در هر کدام از گروه‌های غذایی قبل و بعد از هدفمندی یارانه‌ها، به پیروی از عرفانی فر و همکاران (Erfanifar et al., 2012)، از رابطه (۳) استفاده شده است:

$$R = \frac{P_t - P_{t-1}}{P_{t-1}} \times 100 \quad (3)$$

که در آن، R نرخ تغییر در شاخص فقر غذایی،  $P_{t-1}$  مقدار شاخص فقر غذایی پیش از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و  $P_t$  میزان شاخص فقر غذایی پس از اجرای این قانون است. در پایان، برای بررسی تأثیر سیاست‌های یارانه‌ای بر شاخص‌های دو گانه فقر غذایی یادشده در جامعه روستایی استان فارس، مقایسه شاخص‌های فقر غذایی در هر کدام از گروه‌های غذایی در دو مقطع زمانی اعمال سیاست‌های «یارانه همگانی» و «یارانه هدفمند» در جامعه روستایی استان فارس صورت گرفت.

شایان یادآوری است که طرح نمونه‌گیری هزینه-درآمد خانوار یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین منابع داده برای مطالعات فقر در ایران است. داده‌های مورد استفاده در این طرح در مطالعه حاضر عبارت‌اند از اطلاعات مربوط به وضعیت مصرف هر کدام از خانوارهای روستایی از گروه لبنیات (شیر و فرآورده‌های آن به جز کره)، گروه گوشت و جانشین‌های آن (گوشت‌ها شامل انواع گوشت‌ها و فرآورده‌های آن و جانشین‌های گوشت شامل تخم پرندگان، حبوبات و مغزها)، گروه غلات (انواع غلات، نان‌ها، آرد، رشته و فرآورده‌های آن)، گروه سبزی‌ها (انواع سبزی‌های برگی و سبزی‌های ریشه‌ای)، گروه میوه‌ها (انواع میوه‌های درختی و میوه‌های جالیزی)، گروه چربی‌ها (انواع روغن‌ها، انواع چربی‌ها و انواع کره)، و گروه قندها (انواع قندها، انواع شکرها، انواع مرباها و انواع شیرینی‌ها) و نیز ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی (از جمله سن و جنسیت) هر کدام از اعضای خانوارهای روستایی (SCI, 2019). از آنجا که در ایران، سیاست‌های حمایتی از فقرا در قالب یارانه به دو صورت یارانه‌های همگانی و یارانه‌های هدفمند، به ترتیب، در مقاطع زمانی قبل و بعد از سال ۱۳۸۹ در دستور کار قرار گرفته، داده‌های مورد استفاده نیز مربوط به چهار برش زمانی شامل سال‌های ۱۳۸۷، ۱۳۸۹، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۳ است. سال ۱۳۸۷، دو سال قبل از اجرای هدفمندی

یارانه‌ها بوده و دوره اعمال سیاست یارانه همگانی را مورد توجه قرار می‌دهد؛ سال ۱۳۸۹ سال شروع اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها و نقطه عطف تغییر سیاستی در یارانه‌هاست؛ و داده‌های سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۳، به ترتیب، مبین تغییرات دو و چهار سال پس از آغاز هدفمندی یارانه‌هاست.

## نتایج و بحث

### ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

برخی از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خانوارهای نمونه<sup>۱</sup> مورد مطالعه استان فارس در جدول ۲ آمده است. بر اساس اطلاعات این جدول، میانگین بعد خانوارهای روستایی این استان تقریباً چهار نفر بوده و با گذشت زمان، این میانگین در حال کاهش است. این موضوع در تقسیم‌بندی اندازه خانوارها نیز به‌طور ملموس قابل مشاهده است. علاوه بر آن، در گذر زمان، انحراف معیار بعد خانوارهای روستایی با کاهش همراه بوده و از ۱/۷۷ به ۱/۵۳ رسیده است. در زمینه وضعیت تأهل سرپرستان خانوارهای روستایی، اطلاعات جدول ۲ نشان می‌دهد که حداقل ۸۴/۶۴ درصد سرپرستان خانوارها متأهل بودند؛ اما، با گذر زمان، از سهم سرپرستان متأهل کاسته شده است. همچنین، اطلاعات این جدول بیانگر آن است که جنسیت سرپرستان خانوارهای روستایی استان فارس روندی مشابه با وضعیت تأهل سرپرستان خانوارها دارد، بدین ترتیب که حداقل ۸۳/۴۴ درصد سرپرستان خانوارها مرد بودند؛ اما، با گذر زمان، از سهم سرپرستان مرد کاسته شده و بر سهم سرپرستان زن افزوده شده است. در زمینه سن سرپرستان خانوارها نیز نتایج نشان می‌دهد که میانگین سن سرپرستان خانوارها از ۴۸/۳۳ تا ۵۱/۴۷ سال در نوسان بوده و حداقل سن سرپرستان خانوارها بیست سال و حداکثر سن آنها ۹۸ سال است. همچنین، در زمینه وضعیت سواد، حدود یک‌سوم سرپرستان خانوارها بی‌سواد بودند؛ اما، با گذر زمان، سهم نسبی بی‌سوادی سرپرستان خانوارها کاهش یافته است. در خصوص اشتغال نیز نتایج بیانگر آن است که در دوره مورد مطالعه، حداقل میزان اشتغال سرپرستان خانوارهای روستایی استان فارس ۶۴/۹۰ درصد بود؛ در عین حال، با گذشت زمان، سهم نسبی سرپرستان دارای شغل در خانوارهای روستایی کاهش یافته است.

۱- منظور همان نمونه مورد استفاده در طرح هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران است.

تأثیر تغییر سیاست‌های یارانه‌ای بر فقر غذایی در.....

جدول ۲- توصیف آماری برخی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خانوارهای روستایی نمونه مورد مطالعه استان فارس

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	سال ۱۳۸۷		سال ۱۳۸۹		سال ۱۳۹۱		سال ۱۳۹۳		سطح
	تعداد خانوار	درصد فراوانی	تعداد خانوار	درصد فراوانی	تعداد خانوار	درصد فراوانی	تعداد خانوار	درصد فراوانی	
بهد خانوار (نفر)	۲۳۲	۳۴/۶۳	۴۹۶	۶۱/۴۶	۵۰۶	۶۵/۱۲	۵۳۲	۷۰/۴۶	سه نفر و کمتر
	۳۷۴	۵۵/۸۲	۲۳۸	۲۹/۴۹	۲۱۸	۲۸/۰۶	۱۹۷	۲۶/۰۹	بیش از سه تا شش نفر
	۶۴	۹/۵۵	۷۳	۹/۰۵	۵۳	۶/۸۲	۲۶	۳/۴۴	بیش از شش نفر
	۴/۲۶		۴/۱۷		۴/۰۱		۳/۷۱		میانگین
	۱۱		۱۱		۱۲		۹		حداکثر
	۱		۱		۱		۱		حداقل
وضعیت ناهل	۵۹۷	۸۹/۱۰	۷۰۶	۸۷/۴۸	۶۶۵	۸۵/۵۹	۶۳۹	۸۴/۶۴	متاهل
	۷۳	۱۰/۹۰	۱۰۱	۱۲/۵۲	۱۱۲	۱۴/۴۱	۱۱۶	۱۵/۳۶	مجرد
	۶۰۲	۸۹/۸۵	۶۹۶	۸۶/۲۵	۶۶۱	۸۵/۰۷	۶۳۰	۸۳/۴۴	مرد
	۶۸	۱۰/۱۵	۱۱۱	۱۳/۷۵	۱۱۶	۱۴/۹۳	۱۲۵	۱۶/۵۶	زن
سن سرپرست خانوار (سال)	۲۶۷	۳۹/۸۵	۲۸۲	۳۴/۹۴	۲۱۱	۲۷/۱۶	۲۵۷	۳۴/۰۴	۴۰ سال و کمتر
	۲۴۰	۳۵/۸۲	۳۴۷	۴۳/۰۰	۳۷۰	۴۷/۶۲	۲۹۲	۳۸/۶۸	بیش از ۴۰ تا ۶۰ سال
	۱۶۳	۲۴/۳۳	۱۷۸	۲۲/۰۶	۱۹۶	۲۵/۲۳	۲۰۶	۲۷/۲۸	بیش از ۶۰ سال
	۴۸/۳۳		۴۹/۲۳		۵۱/۴۷		۵۰/۴۵		میانگین
	۹۲		۹۴		۹۶		۹۸		حداکثر
	۲۱		۲۱		۲۰		۲۱		حداقل
سواد وضعیت	۴۲۶	۶۳/۵۸	۵۲۶	۶۵/۱۸	۵۲۷	۶۷/۸۲	۵۰۸	۶۷/۲۸	باسواد
	۲۴۴	۳۶/۴۲	۲۸۱	۳۴/۸۲	۲۵۰	۳۲/۱۸	۲۴۷	۳۲/۷۲	بی‌سواد
فعالیت وضعیت	۴۹۷	۷۴/۱۸	۵۸۳	۷۲/۲۴	۵۳۴	۶۸/۷۳	۴۹۰	۶۴/۹۰	شاغل
	۱۷۳	۲۵/۸۲	۲۲۴	۲۷/۷۶	۲۴۳	۳۱/۲۷	۲۶۵	۳۵/۱۰	سایر
تعداد کل مشاهدات		۶۷۰	۸۰۷	۷۷۷	۷۵۵				

مأخذ: مرکز آمار ایران (SCI, 2019)

### وضعیت نرخ فقر غذایی خانوارها

وضعیت نسبت سرشمار (نرخ) فقر غذایی خانوارهای روستایی استان فارس در گروه‌های غذایی در جدول ۳ آمده است. در بین گروه‌های غذایی در کلیه مقاطع زمانی، گروه لبنیات بالاترین مقدار شاخص نرخ فقر را به خود اختصاص داده است. این گروه غذایی در کنار گروه میوه‌ها و نیز گروه گوشت و جانشین‌ها دارای بالاترین نرخ فقر غذایی در بین خانوارهای روستایی استان فارس بوده است. در بین گروه‌های غذایی، گروه غلات کمترین مقدار نرخ فقر غذایی را به خود اختصاص داده است (نمودار ۱). علاوه بر آن، بر اساس نمودار ۱، اگرچه در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۱، نرخ فقر غذایی در گروه‌های غذایی خانوارهای روستایی استان فارس نسبت به نرخ فقر غذایی در سال ۱۳۸۷ نوسان داشته، اما در سال ۱۳۹۳، این نرخ در تمام گروه‌ها بیش از نرخ فقر غذایی در سال ۱۳۸۷ بوده است. از آنجا که به‌طور معمول، مناطق روستایی مراکز اصلی تولید بسیاری از گروه‌های غذایی از قبیل شیر، میوه‌ها و گوشت است، نرخ بالای فقر غذایی در این گروه‌ها ممکن است ناشی از نبود سواد تغذیه‌ای و نیز نبود حمایت یارانه‌ای در خصوص مصرف این گروه‌های غذایی در مناطق روستایی باشد. به دیگر سخن، بر اساس مفاهیم اصلی در تأمین امنیت غذایی، گرچه مناطق روستایی به‌عنوان مراکز اصلی تولید این محصولات در پی تأمین غذای کافی برای جامعه شهری و روستایی است، اما نبود سواد تغذیه‌ای مناسب در کنار دسترسی نامناسب اقتصادی (قدرت خرید پایین) موجب بروز فقر غذایی با نرخ بالا در این گروه‌های غذایی در مناطق روستایی شده است.

چنان‌که پیش‌تر گفته شد، در دوره زمانی قبل از سال ۱۳۸۹، گروه‌های غذایی چربی‌ها (در قالب روغن نباتی)، قندها (در قالب قند و شکر) و غلات (در قالب برنج و نان) در مناطق روستایی کشور مشمول یارانه همگانی بودند. با عنایت به این موضوع، در سبد غذایی خانوارهای روستایی، چهار گروه غذایی شامل لبنیات، میوه‌ها، سبزی‌ها، و گوشت و جانشین‌ها در بسته حمایت یارانه دولت قرار نگرفته‌اند. بر اساس اطلاعات جدول ۳، در این دوره زمانی، گروه‌های غذایی خارج از شمول حمایت یارانه‌ای دارای بالاترین نرخ فقر غذایی در بین



تأثیر تغییر سیاست‌های یارانه‌ای بر فقر غذایی در.....

خانوارهای روستایی بوده و گروه‌های غذایی مشمول یارانه کمترین نرخ‌های فقر غذایی را به خود اختصاص داده‌اند. علاوه بر آن، در سیاست یارانه همگانی، حمایت یارانه‌ای صورت گرفته در گروه چربی‌ها و گروه قندها به شکل حمایت قیمتی در قالب تعیین سهمیه مشخص به ازای هر فرد بوده است. در گروه غلات، یارانه همگانی برای برنج به شکل حمایت قیمتی در قالب تعیین سهمیه مشخص به ازای هر فرد و یارانه همگانی برای نان به شکل حمایت قیمتی بدون تعیین سهمیه مشخص به ازای هر فرد بوده است.

در این راستا، بر اساس اطلاعات جدول ۳، گرچه در نتیجه اعمال این سیاست یارانه همگانی، نرخ فقر غذایی در گروه‌های مشمول یارانه (غلات، چربی‌ها و قندها) از سایر گروه‌ها (به جز گروه سبزی‌ها) کمتر بوده، اما نرخ فقر غذایی در هیچ کدام از گروه‌های مشمول حمایت به صفر نرسیده است.

چنان که پیش‌تر نیز بیان شد، سیاست‌های یارانه‌ای در ایران از سال ۱۳۸۹ با اجرایی شدن قانون هدفمندی یارانه‌ها دچار تغییر شد. بدین ترتیب، یارانه همگانی مربوط به گروه‌های غذایی چربی‌ها و قندها حذف شد. همچنین، یارانه پرداختی مربوط به گروه غذایی غلات در قالب برنج حذف و این یارانه در قالب یارانه نان نیز با کاهش همراه شد. اما، با اجرای این قانون، سیاست دولت در خصوص چهار گروه غذایی شامل لبنیات، میوه‌ها، سبزی‌ها و گوشت و جانشین‌ها تغییر نکرد و این گروه‌های غذایی در بسته حمایت یارانه دولت قرار نگرفتند. براساس نتایج مطالعه، مجموعه این تغییرات تأثیر خود را به‌طور ملموس در نرخ فقر غذایی گروه‌های مشمول حمایت یارانه‌ای بر جای گذاشته است. اطلاعات جدول ۳ نشان می‌دهد که میانگین نرخ فقر غذایی در گروه غذایی چربی‌ها از ۴۴/۹۹ درصد پیش از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها به ۴۹/۹۳ درصد در دوره پس از اجرای این قانون رسیده و بر این اساس، با اجرای این قانون، ۱۰/۹۸ درصد به تعداد خانوارهای دچار فقر غذایی در گروه چربی‌ها افزوده شده است؛ همچنین، در گروه غذایی قندها نرخ فقر غذایی از ۵۰/۰۹ درصد به ۵۵/۱۵ درصد افزایش یافته و بدین ترتیب، با اجرای این قانون، ۱۰/۱۰ درصد به تعداد خانوارهای دچار فقر غذایی در گروه

قندها افزوده شده است. نکته قابل تأمل در این تغییر سیاست و اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها تغییرات ایجاد شده در نرخ فقر غذایی در گروه غلات است. چنان که اطلاعات جدول ۳ نشان می‌دهد، میانگین نرخ فقر غذایی در دوره زمانی قبل از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها در گروه غذایی غلات ۸/۵۴ درصد بوده که با اجرای این قانون، میانگین نرخ یاد شده در این گروه غذایی در خانوارهای روستایی استان فارس به ۵/۸۹ درصد رسیده است. بر این اساس، در این گروه غذایی، علی‌رغم کاهش سطح حمایت یارانه‌ای دولت، نرخ فقر غذایی با کاهش ۳۱/۰۳ درصدی نسبت به وضعیت قبل از هدفمندی یارانه‌ها همراه بوده است. بدین ترتیب، بیشترین درصد تغییرات نرخ فقر غذایی در گروه غذایی غلات رخ داده است.

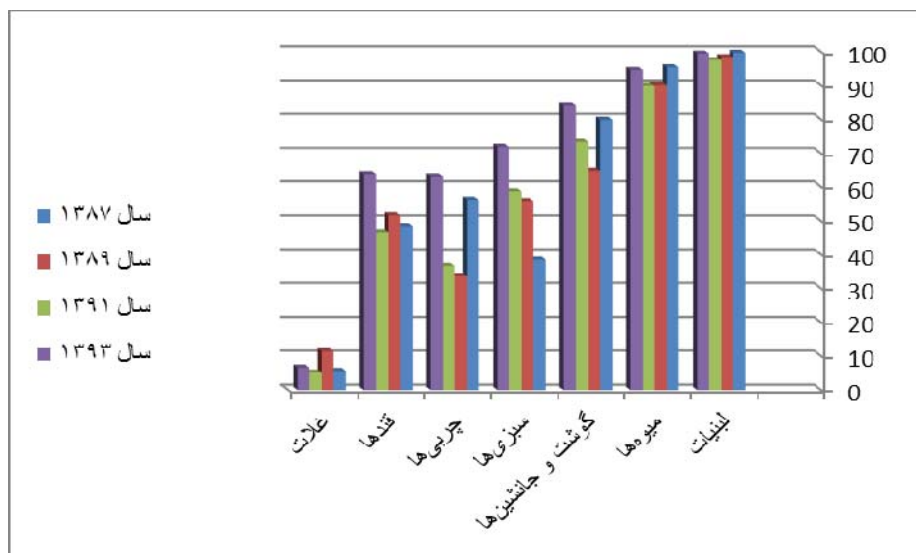
شایان یادآوری است که در دوره زمانی پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، علی‌رغم برداشته شدن حمایت یارانه‌ای از گروه‌های غذایی چربی‌ها و قندها و در نتیجه، افزایش نرخ فقر غذایی در جامعه روستایی استان فارس در این گروه‌ها (که پیش‌تر به تفصیل بدان پرداخته شد)، ترتیب قرار گرفتن گروه‌های غذایی از نظر نرخ فقر در جامعه روستایی استان فارس مشابه دوره پیش از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها بوده و این ترتیب تغییر نکرده است. همچنین، در این دوره زمانی نیز نرخ فقر غذایی در هیچ کدام از گروه‌های غذایی صفر نشده است.

تأثیر تغییر سیاست‌های یارانه‌ای بر فقر غذایی در.....

جدول ۳- وضعیت نسبت سرشمار (نرخ) فقر غذایی خانوارهای روستایی استان فارس به تفکیک گروه‌های غذایی

گروه‌های غذایی	نرخ فقر (درصد)				نرخ تغییرات پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها	
	سال ۱۳۸۷	سال ۱۳۸۹	میانگین قبل از هدفمندی	سال ۱۳۹۱	سال ۱۳۹۳	میانگین بعد از هدفمندی
لبنیات	۹۹/۷۰	۹۸/۳۹	۹۹/۰۵	۹۷/۵۵	۹۹/۴۷	۹۸/۵۱
میوه‌ها	۹۵/۳۷	۸۹/۹۶	۹۲/۶۷	۸۹/۸۳	۹۴/۵۷	۹۲/۲۰
گوشت و جانشین‌ها	۷۹/۸۵	۶۴/۸۱	۷۲/۳۳	۷۳/۳۶	۸۴/۲۴	۷۸/۸۰
سبزی‌ها	۳۸/۵۱	۵۵/۸۹	۴۷/۲۰	۵۸/۶۹	۷۱/۹۲	۶۵/۳۰
چربی‌ها	۵۶/۲۷	۳۳/۷۱	۴۴/۹۹	۳۶/۶۸	۶۳/۱۸	۴۹/۹۳
قندها	۴۸/۵۱	۵۱/۶۷	۵۰/۰۹	۴۶/۴۶	۶۳/۸۴	۵۵/۱۵
غلات	۵/۶۷	۱۱/۴۰	۸/۵۴	۵/۱۵	۶/۶۲	۵/۸۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق



نمودار ۱- نسبت سرشمار (نرخ) فقر غذایی خانوارهای روستایی استان فارس به تفکیک گروه‌های غذایی

### وضعیت شکاف فقر غذایی خانوارها

وضعیت نسبت شکاف فقر در گروه‌های غذایی خانوارهای روستایی استان فارس در جدول ۴ آمده است. بر اساس اطلاعات این جدول، صرف نظر از سال‌های مورد بررسی، مشابه وضعیت شاخص نرخ فقر غذایی، در زمینه شاخص نسبت شکاف فقر غذایی، گروه لبنیات بالاترین مقدار شاخص نسبت شکاف فقر را به خود اختصاص داده است. این گروه غذایی در کنار گروه میوه‌ها و گروه گوشت و جانشین‌ها دارای بالاترین شاخص نسبت شکاف فقر غذایی در بین خانوارهای روستایی استان فارس است. همچنین، گروه غلات، کمترین مقدار شاخص نسبت شکاف فقر را به خود اختصاص داده است (نمودار ۲). علاوه بر آن، بر اساس نمودار ۲، گرچه در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۱، عمق فقر غذایی در گروه‌های غذایی خانوارهای روستایی استان فارس نسبت به عمق فقر غذایی در سال ۱۳۸۷ نوسان داشته، اما در سال ۱۳۹۳، عمق فقر غذایی تقریباً در تمام گروه‌ها بیش از عمق فقر غذایی در سال ۱۳۸۷ بوده است.

در صورت تمرکز بر مقاطع مختلف زمانی، در مقاطع زمانی ۱۳۸۷ و ۱۳۸۹ (مربوط به دوره زمانی سیاست یارانه همگانی)، نسبت شکاف فقر غذایی مربوط به گروه‌های غذایی لبنیات، میوه‌ها، و گوشت و جانشین‌ها (که غیرمشمول حمایت یارانه‌ای بودند) بیش از گروه‌های غذایی مشمول حمایت یارانه‌ای بوده است. در این راستا، اطلاعات جدول ۴ نشان می‌دهد که در این دوره زمانی، عمق فقر غذایی در گروه غلات به گونه‌ای چشمگیر پایین‌تر از گروه چربی‌ها و گروه قندها بوده است. در عین حال، نکته حائز اهمیت این است که علی‌رغم حمایت یارانه‌ای صورت گرفته، در این دوره نیز عمق فقر غذایی در هیچ کدام از گروه‌های مشمول حمایت به صفر نرسیده است.

با تغییر سیاست‌های یارانه‌ای در ایران از سال ۱۳۸۹ و در نتیجه، اجرایی شدن قانون هدفمندی یارانه‌ها، عمق فقر غذایی گروه‌های مشمول حمایت یارانه‌ای به‌طور ملموس تحت تأثیر قرار گرفته است. بر اساس اطلاعات جدول ۴، با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و حذف یارانه گروه‌های غذایی چربی‌ها و قندها و نیز حذف یارانه برنج و تعدیل یارانه نان، میانگین عمق فقر غذایی در گروه‌های غذایی چربی‌ها و قندها که پیش از هدفمندی یارانه‌ها مشمول یارانه همگانی بودند، با افزایش همراه بوده است، بدین ترتیب که میانگین عمق فقر غذایی در

گروه غذایی چربی‌ها از ۱۷/۶۸ درصد به ۲۱/۷۵ درصد رسیده و بر این اساس، با اجرای این قانون، عمق فقر غذایی خانوارهای دچار فقر غذایی در گروه چربی‌ها ۲۳/۰۲ درصد افزایش یافته است. همچنین، با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها در گروه غذایی قندها، عمق فقر غذایی از ۲۶/۰۳ درصد به ۳۳/۶۶ درصد رسیده و بدین ترتیب، عمق فقر غذایی خانوارهای دچار فقر غذایی در گروه قندها رشدی برابر با ۲۹/۳۱ درصد را تجربه کرده است.

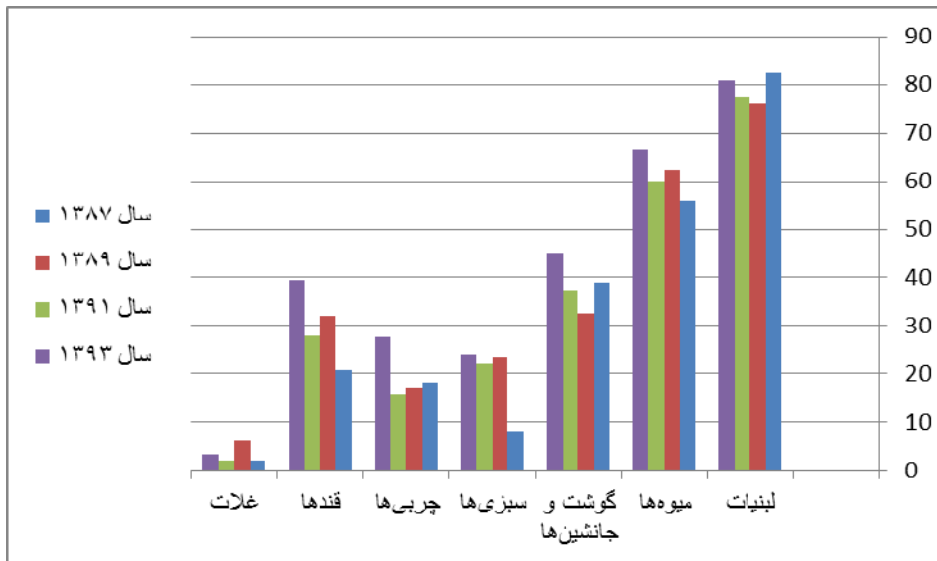
از سوی دیگر، تأثیر هدفمندی یارانه‌ها بر عمق فقر غذایی در گروه غذایی غلات با تأثیر این سیاست بر عمق فقر غذایی در دو گروه غذایی چربی‌ها و قندها متفاوت بوده و اما، مشابه تأثیر آن بر نرخ فقر غذایی در گروه غذایی غلات است. چنان‌که اطلاعات جدول ۴ نشان می‌دهد، میانگین عمق فقر غذایی در گروه غذایی غلات قبل از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها (سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۹) برابر با ۴/۲۷ درصد بوده و با اجرای این قانون، میانگین عمق فقر در این گروه غذایی در خانوارهای روستایی استان فارس به ۲/۶۴ درصد رسیده است. بر این اساس، در این گروه غذایی، علی‌رغم کاهش سطح حمایت یارانه‌ای دولت، عمق فقر غذایی با کاهش نزدیک به ۴۰ درصدی مواجه شده است. در این راستا، کاهش ضایعات نان به دلیل افزایش قیمت نان را نباید از نظر دور داشت (Akbari et al., 2009). بدین ترتیب، مشابه تغییرات نرخ فقر غذایی، بیشترین درصد تغییرات عمق فقر غذایی در گروه غذایی غلات رخ داده است.

شایان یادآوری است که در دوره زمانی پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، علی‌رغم برداشته شدن حمایت یارانه‌ای از گروه‌های غذایی چربی‌ها و قندها و افزایش نرخ فقر غذایی در این گروه‌ها، ترتیب قرار گرفتن گروه‌های غذایی از نظر شاخص عمق فقر غذایی مشابه ترتیب قرار گرفتن این گروه‌ها قبل از اجرای قانون هدفمندی بوده و این ترتیب تغییر نکرده است. همچنین، در این دوره زمانی نیز عمق فقر غذایی در هیچ‌کدام از گروه‌های غذایی صفر نشده است. بر این اساس، در کل، این نکته قابل استنباط است که سیاست‌های یارانه‌ای بر میزان عمق فقر غذایی در گروه‌های غذایی موجود در سبد غذایی جامعه روستایی مؤثر بوده، اما قادر به تغییر ترتیب قرار گرفتن گروه‌های غذایی از نظر این شاخص نبوده است.

جدول ۴- وضعیت نسبت شکاف (عمق) فقر غذایی خانوارهای روستایی استان فارس به تفکیک گروه‌های غذایی

گروه‌های غذایی	عمق فقر (درصد)				نرخ تغییرات پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها	
	سال ۱۳۸۷	سال ۱۳۸۹	میانگین قبل از هدفمندی	سال ۱۳۹۱	سال ۱۳۹۳	میانگین بعد از هدفمندی
لبنیات	۸۲/۶۰	۷۶/۲۲	۷۹/۹۲	۷۷/۴۹	۸۰/۸۶	۷۹/۱۸
میوه‌ها	۵۶/۱۰	۶۲/۴۳	۵۹/۴۷	۵۹/۹۳	۶۶/۵۳	۶۳/۲۳
گوشت و جانشین‌ها	۳۸/۹۰	۳۲/۵۹	۳۵/۸۰	۳۷/۳۰	۴۵/۱۸	۴۱/۲۴
سبزی‌ها	۸/۱۱	۲۳/۵۰	۱۶/۰۷	۲۲/۱۶	۲۴/۱۴	۲۳/۱۵
چربی‌ها	۱۸/۲۱	۱۷/۰۶	۱۷/۶۸	۱۵/۸۱	۲۷/۶۹	۲۱/۷۵
قندها	۲۰/۸۳	۳۱/۹۷	۲۶/۰۳	۲۷/۸۱	۳۹/۵۲	۳۳/۶۶
غلات	۱/۹۱	۶/۲۲	۴/۲۷	۱/۹۵	۳/۳۴	۲/۶۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق



نمودار ۲- نسبت شکاف (عمق) فقر غذایی خانوارهای روستایی استان فارس به تفکیک گروه‌های غذایی

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در یک نگاه کلی، نتایج حاکی از نامطلوب بودن وضعیت فقر غذایی در جامعه روستایی استان فارس در دوره‌های قبل و بعد از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌هاست. در این خصوص، ذکر این نکته ضروری است که با توجه به اختصاص یارانه به برخی از گروه‌های غذایی، فقر غذایی خانوارهای روستایی عمدتاً ناشی از فقر غذایی در گروه‌های خارج از شمول این حمایت است. در این راستا، نتایج مطالعه قاسمی (Ghasemi, 2004) در بررسی سیاست‌های یارانه مواد غذایی در ایران نیز نشان می‌دهد که سیاست‌های یارانه مواد غذایی کارآیی لازم را ندارند، به گونه‌ای که در این سیاست‌ها، کالاهای تأمین‌کننده اصلی کالری از قبیل نان، قند و شکر و روغن از حمایت دولت برخوردار است و عرضه و تقاضای کالاهای دیگر به‌ویژه گوشت، سبزی و میوه با استفاده از سازوکار بازار صورت می‌گیرد؛ در نتیجه، در سبد غذایی خانوارهای کم‌درآمد، کالاهای نشاسته‌ای و انرژی‌زا جایگزین گوشت و لبنیات شده است که به‌طور طبیعی، بروز فقر غذایی و عدم سلامت تغذیه‌ای در کشور را در پی دارد. بررسی شاخص‌های فقر غذایی در هر کدام از گروه‌های غذایی در سبد مصرف خانوارهای روستایی استان فارس نشان داد که گروه‌های غذایی مشمول یارانه مواد غذایی (صرف‌نظر از نوع سیاست یارانه‌ای) دارای نرخ و عمق فقر غذایی کمتری نسبت به گروه‌های خارج از شمول یارانه بودند. بر این اساس، سیاست‌های یارانه مواد غذایی، صرف‌نظر از نوع آن، ابزاری مؤثر در کاهش نرخ و عمق فقر غذایی در گروه‌های غذایی جامعه روستایی به‌شمار می‌رود.

همچنین، بر اساس نتایج بررسی شاخص‌های فقر غذایی در هر کدام از گروه‌های غذایی مشمول سیاست‌های حمایت یارانه‌ای در سبد مصرف خانوارهای مورد مطالعه، نرخ و عمق فقر غذایی مربوط به گروه‌های غذایی غلات (نان) که مشمول حمایت سیاست‌های یارانه‌ای به‌صورت غیرسهمیه‌ای بوده، نسبت به سایر گروه‌های غذایی مشمول حمایت سیاست‌های یارانه‌ای به‌صورت سهمیه‌بندی شده (چربی‌ها و قندها)، کمتر است. بر این اساس، شکل اجرای

سیاست یارانه مواد غذایی بر لایه‌های مختلف فقر غذایی در گروه‌های مشمول حمایت آن سیاست مؤثر است. در این راستا، با توجه به نتایج مطالعه، صرف‌نظر از نوع گروه غذایی، یارانه بدون سهمیه‌بندی برای مقابله با لایه‌های مختلف فقر غذایی در جامعه روستایی مؤثرتر بوده است.

نتایج نشان داد که نرخ و عمق فقر غذایی در گروه غلات، علی‌رغم کاهش چتر حمایتی سیاست یارانه‌ای (حذف یارانه برنج و کاهش یارانه نان)، دارای تغییرات بیشتری نسبت به سایر گروه‌های غذایی مشمول این چتر حمایتی بوده و این تغییرات در راستای کاهش تعداد خانوارهای دچار فقر غذایی و نیز کاهش عمق فقر غذایی خانوارهای روستایی در این گروه غذایی بوده است. بر این اساس، شاید بتوان گفت که در این گروه غذایی (غلات)، میزان یارانه اختصاصی در سیاست یارانه همگانی بیش از میزان مورد نیاز بوده است؛ به دیگر سخن، سطح حمایت سیاست یارانه همگانی در گروه غذایی غلات بیش از سطح آستانه یارانه به‌عنوان ابزاری مؤثر برای کاهش نرخ و عمق فقر غذایی در این گروه غذایی بوده است. در این ارتباط، بررسی ترگو (Tregó, 2011) در خصوص عملکرد نظام یارانه غذایی مصر نشان داد که به‌دلیل ارائه نان به قیمت پایین در قالب نظام یارانه غذایی، تقاضای این کالا افزایش یافته و صف‌های طولانی برای آن ایجاد شده است؛ و از این رو، به باور ترگو، برای پاسخ بدین تقاضای اضافی، ضمن کاهش مقدار یارانه، دولت باید سیاست هدفمندی یارانه در قالب کاهش و حذف یارانه پرداختی به برخی کالاها را دنبال کند و از این طریق، به تثبیت قیمت‌ها در بازار پردازد. با عنایت به نکات یادشده و نتایج مطالعه حاضر مبنی بر عدم افزایش نرخ و عمق فقر غذایی در گروه غذایی غلات به‌دنبال کاهش میزان یارانه تخصیصی بدان در اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها نسبت به سیاست یارانه همگانی، به‌نظر می‌رسد که اقدام دولت در اجرای این قانون در قالب کاهش یارانه نان منطقی بوده است.

از سوی دیگر، نتایج بیانگر آن است که علی‌رغم کاهش حمایت سیاست یارانه‌ای در گروه غلات، نرخ و عمق فقر غذایی در این گروه با کاهش نیز همراه بوده است. در این راستا،



به نظر می‌رسد که اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و در نتیجه، حذف چتر حمایتی از گروه‌های غذایی چربی‌ها و قندها موجب کاهش تقاضای مصرف کنندگان در این در گروه و انتقال بخشی از تقاضای آنها به سمت گروه غلات و افزایش مصرف مواد غذایی موجود در این گروه غذایی شده است. دلیل این رویکرد، به باور ضیایی و همکاران (Ziaei et al. 2014)، این است که خانوارها، برای حل مشکل عدم امنیت غذایی خود، کاهش مصرف غذاهای با قیمت بالاتر و افزایش مصرف مواد غذایی دارای قیمت پایین‌تر را در پیش می‌گیرند. بر این اساس، ضروری است در اتخاذ سیاست‌های یارانه‌ای، آستانه تأثیر این سیاست‌ها و نیز جانشینی مواد غذایی با یکدیگر و در نتیجه، تغییرات الگوی مصرف خانوارها مورد توجه قرار گیرد.

همچنین، نتایج مطالعه گویای آن است که با تغییر سیاست‌های یارانه مواد غذایی از یارانه همگانی به یارانه هدفمند، نرخ و عمق فقر غذایی در گروه‌هایی از مواد غذایی افزایش و در گروه‌های دیگر کاهش یافته است. بر این اساس، در صورت عدم توجه به جنبه‌های تکمیلی در سیاست هدفمندی یارانه‌ها، نمی‌توان آن را نسبت به سیاست یارانه همگانی، سیاستی موفق و متمایز در کاهش فقر غذایی دانست، به‌ویژه آنکه برخی مطالعات اخیر در ایران و از آن جمله، مطالعات اکبرپور و همکاران (Akbarpoor et al., 2016)، جمینی و همکاران (Jamini et al., 2017) و اعظمی و همکاران (Aazami et al., 2017) نیز بر وجود سطح بالای ناامنی غذایی در مناطق مختلف روستایی کشور تأکید دارند.

علاوه بر آن، نتایج نشان داد که سیاست‌های یارانه‌ای صرف‌نظر از نوع آن (همگانی یا هدفمند) و نیز صرف‌نظر از شیوه اعمال آن (سهمی‌ای یا غیرسهمی‌ای)، هیچ‌گاه نرخ و عمق فقر غذایی را حتی در گروه غذایی مشمول حمایت یارانه‌ای به صفر تقلیل نداده است. بر این اساس، هرچند، نمی‌توان نقش حمایتی سیاست‌های یارانه‌ای را در کاهش نرخ و عمق فقر انکار کرد، اما این موضوع بیانگر آن است که سیاست‌های یارانه‌ای، فارغ از نوع و شکل اجرای آن، قدرت و توان لازم برای مقابله کامل با فقر غذایی را ندارد و به‌تنهایی نمی‌تواند مشکل فقر غذایی را در جامعه برطرف سازد. بر اساس نتایج مطالعه، حتی در مواردی تکیه و تأکید صرف

بر به کارگیری برخی سیاست‌های یارانه‌ای (از قبیل سیاست هدفمندی یارانه‌ها) به تنهایی می‌تواند به افزایش فقر غذایی در برخی گروه‌های غذایی (مانند چربی‌ها و قندها) منجر شود. از این‌رو، مقابله با فقر غذایی و پرداختن بدان در جامعه روستایی نیازمند ابزارهای تکمیلی و نگاه جامع در قالب یک بسته سیاستی است که در آن، حمایت یارانه‌ای می‌تواند تنها در قالب بخشی از کل بسته مورد توجه قرار گیرد. در این راستا، نتایج مطالعه آپلنایدو و همکاران (Applanaidu et al., 2014) در مالزی نشان داد که مخارج دولت در حوزه توسعه روستایی دارای بالاترین نقش در امنیت غذایی است. علاوه بر آن، نتایج مطالعه بورچی و دمورو (Burchi and De Muro, 2016) نیز حاکی از آن است که فقدان آموزش، بهداشت و دیگر قابلیت‌های اساسی شکل‌دهنده رفاه مردم از عوامل اصلی بروز فقر غذایی است. از این‌رو، از آنجا که، مناطق روستایی تولیدکنندگان اصلی گروه‌های غذایی لبنیات، سبزی‌ها، میوه‌ها، گوشت و جانشین‌ها به‌شمار می‌روند، به‌نظر می‌رسد که در بسته حمایتی یادشده، تأکید بر سواد تغذیه‌ای و آموزش تغذیه مناسب می‌تواند ضامن پایداری هر چه بیشتر راهبرد کاهش فقر غذایی در جامعه روستایی باشد. همچنین، از آنجا که فقر غذایی پایین‌ترین سطح فقر و در عین حال، مهم‌ترین بعد آن است و در فرآیند توسعه پایدار، یکی از اولویت‌ها و شاخص‌های مهم به‌شمار می‌آید (Shirvanian, 2012)، برای مقابله با تبعات نامطلوب آن، شناسایی گروه‌های آسیب‌پذیر و آسیب‌دیده از تغییر سیاست یارانه‌ای و جبران آسیب ناشی از آن ضروری به‌نظر می‌رسد. در این راستا، دوروکس و همکاران (Devereux et al., 2005) یکی از اهداف مهم اتخاذ رویکرد هدفمندی یارانه‌ها در عرصه سیاست‌های تأمین اجتماعی را پوشش همه گروه‌های نیازمند و آسیب‌پذیر می‌دانند. بدین ترتیب، با توجه به مجموعه نکات یادشده، ضروری است شکل موجود سیاست هدفمندی یارانه‌ها با بسته‌های حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، آموزش تغذیه مناسب و افزایش سواد تغذیه‌ای خانوارها تکمیل شود. در عین حال، ذکر این نکته ضروری است که تمام تغییرات در شاخص‌های فقر را نمی‌توان لزوماً و صرفاً به سیاست یارانه نسبت داد؛ و از این‌رو، انجام مطالعاتی در خصوص تأثیر سایر اقدامات اقتصادی دولت‌ها

تأثیر تغییر سیاست‌های یارانه‌ای بر فقر غذایی در.....

از قبیل سیاست‌های ارزی و نیز تشدید تحریم‌ها بر فقر و به‌ویژه نرخ و عمق فقر غذایی توصیه می‌شود.

در پایان، بر پایه نتایج به‌دست آمده، در یک جمع‌بندی، پیشنهادهایی در راستای کاهش فقر غذایی در مناطق روستایی کشور به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱. ضروری است شکل کنونی سیاست هدفمندی یارانه‌ها با بسته‌های حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، آموزش تغذیه مناسب و افزایش سواد تغذیه‌ای خانوارها تکمیل شود. در این زمینه، پرداختن به فقر غذایی در جامعه روستایی نیازمند نوعی بسته جامع تأمین اجتماعی است که در آن، حمایت هدفمند یارانه‌ای تنها بخشی از کل بسته خواهد بود. در این بسته جامع تأمین اجتماعی، باید سواد تغذیه‌ای و آموزش تغذیه مناسب خانوارهای روستایی به‌ویژه در زمینه گروه‌های غذایی سبزی‌ها، قندها و چربی‌ها که با هدفمندی یارانه‌ها نرخ فقر و نیز شکاف فقر مرتبط با آنها در بین خانوارهای روستایی افزایش چشمگیر را نشان می‌دهد (جداول ۳ و ۴)، در کانون توجه قرار گیرد تا از این رهگذر، با گذار از سیاست یارانه همگانی، آسیب ناشی از تغییر سیاست یارانه مواد غذایی تعدیل و پایداری هرچه بیشتر راهبرد کاهش فقر غذایی در جامعه روستایی تضمین شود.
۲. در بسته جامع تأمین اجتماعی یادشده، افزون بر نکات پیش گفته، در زمینه شیوه حمایت هدفمند یارانه‌ای، توجه به نکات زیر ضروری است:

- سیاست حمایت هدفمند یارانه‌ای بدون سهمیه‌بندی کالا شکل مؤثرتری برای مقابله با نرخ و عمق فقر غذایی در جامعه روستایی است. در این ارتباط، بازنگری در سهمیه‌بندی و توزیع یارانه‌ای گوشت قرمز (گوسفند و گوساله) و گوشت سفید (مرغ) در بین خانوارها (در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸) ضروری به نظر می‌رسد.
- در اتخاذ سیاست حمایت هدفمند یارانه‌ای، توجه به آستانه تأثیر این سیاست و نیز جانمایی مواد غذایی با یکدیگر از منظر تأثیرگذاری بر تغییرات الگوی مصرف خانوارها ضروری است. در این خصوص، لازم است میزان یارانه تخصیصی به غلات

و به‌ویژه نان مورد بازنگری قرار گیرد و بخشی از این اعتبار به ارتقای سواد تغذیه‌ای و آموزش تغذیه مناسب خانوارهای روستایی تخصیص یابد.

### منابع

1. Aazami, M., Hashemi-Amin, N. and Soroush-Mehr, H. (2017). A survey on food insecurity of rural households and factors affecting it in Khouzestan province of Iran: a case study of Bostan sub-district. *Village and Development*, 20(4): 73-94. (Persian)
2. Ahmadi, A., Asgharian-Dastnaei, A. and Tabatabaei, H. (2009). The effect of food guide pyramid training on the knowledge of five to six year old pre-school children in one of the districts of Shiraz, Iran. *Armaghane Danesh*, 14: 72-81. (Persian)
3. Akbari, N., Khoshakhlagh, R., Sameti, M. and Shahidi, A. (2009). Estimating the willingness to pay of consumers for increasing quality of bread in 2007 (case study of Isfahan County). *Agricultural Economics*, 3: 89-113. (Persian)
4. Akbarpoor, M., Mahdavi Damghani, A., Deihimfard, R. and Veisi, H. (2016). Assessment of the food security status in Marvdasht County. *Journal of Aroecology*, 6: 1-10. (Persian)
5. Alexopoulos, Y., Heberd, K. and Bays, H. (2008). Krause's food and nutrition therapy. Canada: Elsevier Inc.
6. Alkire, S. (2007). Choosing dimensions: the capability approach and multidimensional poverty. *CPRC Working Paper*, 88
7. Alkire, S. and Foster, J. (2011). Counting and multidimensional poverty measurement. *Journal of Public Economics*, 95(7): 476-487.
8. Applanaidu, S.D., Bakar, N.A.A. and Baharudin, A.H. (2014). An econometric analysis of food security and related macro-economic variables in Malaysia: a vector autoregressive approach (VAR). *UMK Procedia*, 1: 93-102.
9. Azadbakht, L. and Esmailzadeh, A. (2009). Diet variety: a measure of nutritional adequacy and health. *Journal of Qazvin University of Medecal Sciences*, 13: 88-97. (Persian)
10. Bachman, J.L., Reedy, J., Subar, A.F. and Krebs-Smith, S.M. (2008). Sources of food group intakes among the US population, 2001-2002. *Journal of the Academy of Nutrition and Dietetics*, 108(5): 804-814.
11. Bibi, S. and Duclos, J.Y. (2007). Equity and policy effectiveness with imperfect targeting. *Journal of Development Economics*, 83(1): 109-140.

12. Boratynska, K. and Huseynov, R.T. (2017). An innovative approach to food security policy in developing countries. *Journal of Innovation and Knowledge*, 2(1): 39-44.
13. Bossert, W., Chakravarty, S.R. and Ambrosio, C.D. (2009). Measuring multidimensional poverty: the generalized counting approach. The Social Sciences and Humanities Research Council of Canada, Ottawa.
14. Bourguignon, F. and Chakravarty, S.R. (2003). The measurement of multidimensional poverty. *The Journal of Economic Inequality*, 1(1): 25-49.
15. Burchi, F. and De Muro, P. (2016). From food availability to nutritional capabilities: advancing food security analysis. *Food Policy*, 60: 10-19.
16. Champagne, C.M., Bogle, M.L., McGee, B.B., Yadrick, K., Allen, H.R., Kramer, T.R. and Weber, J. (2004). Dietary intake in the lower Mississippi delta region: results from the foods of our delta study. *Journal of the American Dietetic Association*, 104(2): 199-207.
17. Champagne, C.M., Casey, P.H., Connell, C.L., Stuff, J.E., Gossett, J.M., Harsha, D.W. and Bogle, M.L. (2007). Poverty and food intake in rural America: diet quality is lower in food insecure adults in the Mississippi Delta. *Journal of the American Dietetic Association*, 107(11): 1886-1894.
18. Devereux, S. (2016). Social protection for enhanced food security in Sub-Saharan Africa. *Food Policy*, 60: 52-62.
19. Devereux, S., Marshall, J., MacAskill, J. and Pelham, L. (2005). Making cash count, lessons from cash transfer schemes in east and southern Africa for supporting the most vulnerable children. London, England: Save the Children UK, HelpAge, and Institute of Development Studies.
20. Dini-Torkamani, A. (2005). Subsidies, growth and poverty. *Social Welfare*, 5(18): 299-332. (Persian)
21. Dini-Torkmani, A. (1996). A survey on the status of poverty in Iran: an economic analysis of poverty. Tehran, Iran: Institute of Commerce Studies and Researches. (Persian)
22. Ebadi, F. (2004). Food security and distribution of income. Tehran, Iran: Agricultural Planning, Economics and Rural Development Research Institute (APERDRI). (Persian)
23. Eftekhari, S.F. and Karami, A. (2014). Investigating factors affecting poverty in rural areas of Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad province. *Iranian Journal of Agricultural Economics (Economics and Agriculture Journal)*, 8(1): 139-156. (Persian)
24. Erfanifar, B., Shirvanian, A., Bijanzadeh, E. and Raofat, M. (2012). Estimation of economic thresholds for weed control in corn (*Zea Mays L.*)

- by mechanical, chemical and integrated methods. *Applied Field Crops Research (Pajouhesh and Sazandegi)*, 25(3): 29-36. (Persian)
25. FAO (2001). Handbook for defining and setting up a food security information and early warning system (FSIEWS). New York: Food and Agriculture Organization of the United Nations.
  26. Foster, J., Greer, J. and Thorbecke, E. (2010). The Foster–Greer–Thorbecke (FGT) poverty measures: 25 years later. *The Journal of Economic Inequality*, 8(4): 491-524.
  27. Ghaffarpour, M., Sochiarrad, A. and Kianfar, H. (1999). Home scales guide, conversion factors and edible food percentages. Tehran, Iran: Agricultural Sciences Publishing. (Persian)
  28. Ghasemi, H. (2004). Food and nutrition security and future challenges in the country. Paper Presented at the First Conference on Agriculture and National Development, Tehran, Iran. (Persian)
  29. Hatloy, A., Torheim, L.E. and Oshaug, A. (1998). Food variety— a good indicator of nutritional adequacy of the diet? a case study from an urban area in Mali, West Africa. *European Journal of Clinical Nutrition*, 52(12): 891-898.
  30. Hazavehei, M.M., Pirzadeh, A., Entezari, M.H., Hassanzadeh, A. and Bahreynian, N. (2009). Investigating the knowledge, attitude and nutritional practice of female middle school second graders in Isfahan in 2008. *Knowledge and Health*, 4(3): 24-27. (Persian)
  31. Heneman, K., Block-Joy, A., Zidenberg-Cherr, S., Donohue, S., Garcia, L., Martin, A. and Steinberg, F.M. (2005). A “contract for change” increases produce consumption in low-income women: a pilot study. *Journal of the American Dietetic Association*, 105(11): 1793-1796.
  32. Hoddinott, J.F. (1999). Targeting: principles and practice. Washington, DC, USA: International Food Policy Research Institute (IFPRI).
  33. INF (2010). Food guidance pyramid and food regulations of Iran. Tehran, Iran: Iranian Nutrition Forum. (Persian)
  34. Irevani, M. (2009). Targeting subsidies in line with economic development plan. Tehran, Iran: Organization for the Protection of Consumers and Producers. (Persian)
  35. Jafari-Sani, M. and Bakhshoudeh, M. (2008). Investigating poverty and food insecurity distribution over space in rural and urban areas of Iran. *Agricultural Economics and Development*, 16(1): 103-123. (Persian)
  36. Jamini, D., Amini, A., Ghadermarzi, H. and Tavakkoli, J. (2017). Measuring food security and its determinants in rural areas: a case study of the farmers in the central district of Ravansar, Kermanshah. *Journal of Geography and Regional Development*, 14: 225-246. (Persian)

37. Khoshdel, A. and Abbasi, E. (2016). The comparison of the necessary goods consumption among the poor and middle-income households before and after paying cash subsidies. *The Economic Research*, 15(4): 217-243. (Persian)
38. Kilanowski, J.F. and Moore, L.C. (2010). Food security and dietary intake in midwest migrant farmworker children. *J. Pediatr. Nurs.*, 25(5): 360-366.
39. Koochi, K. (2014). Food insecurity and social capital. *Bioethics Journal*, 11: 165-196. (Persian)
40. MEAF (2009). Introductory identification of subsidies targeting scheme. Tehran, Iran: Ministry of Economic Affairs and Finance. (Persian)
41. Mirmiran, P., Mohammadi, F., Beigi, F., Kalantari, N. and Azizi, F. (2003). Assessment of dietary intake based on the food guide pyramid in a group of Tehranian adults. *Razi (Journal of Medical Sciences)*, 9(32): 767-778. (Persian)
42. MOHME (2004). National document for the transboundary development of food and nutrition security in the Fourth Economic, Social And Cultural Development Program of the Islamic Republic of Iran. Tehran, Iran: Ministry of Health and Medical Education, Coordination Deputy and Secretary of the Assemblies. (Persian)
43. MWSS. (2008). Targeted subsidies: countries experience. Tehran, Iran: Ministry of Welfare and Social Security. (Persian)
44. Najafi, B. (2007). Study of global experience of food subsidy: an approach to Iran. Paper Presented at the Sixth Iranian Agricultural Economics Conference, Mashhad, Iran. (Persian)
45. Najafi, B. and Shoushtarian, A. (2004). Targeting subsidies and deleting food insecurity: the case study in Arsenjan. *Iranian Journal of Trade Studies (IJTS)*, 8(31): 127-151. (Persian)
46. Najafianzadeh, M., Mobarakabadi, A., Ranjbaran, M. and Nakhaei, M.R. (2015). Relationship between the prevalence of food insecurity and some socio-economic and demographic factors in the rural households of Arak, 2014. *Iranian Journal of Nutrition Sciences and Food Technology*, 9(4): 35-44. (Persian)
47. Noori-Naeini, M. (1999). *Food security and agricultural development*. Tehran, Iran: Institute of Planning and Agricultural Economics Researches. (Persian)
48. Park, K. (2011). Park's textbook of preventive and social medicine. Jabalpur: M/S Banarsidas Bhanot.
49. Poortaheri, M., Talebi, H. and Rokneddin Eftekhari, A. (2011). Analysis of economic and social factors affecting the rural poverty alleviation with

- emphasis on nutritional poverty, case study: Khalejstan district in Qom province. *The Journal of Spatial Planning*, 15(2): 61-80. (Persian)
50. Ramadan, R. and Thomas, A. (2011). Evaluating the impact of reforming the food subsidy program in Egypt: a mixed demand approach. *Food Policy*, 36(5): 638-646.
  51. Salehi, M. (2007). A fresh look at food and nutrition. Shiraz, Iran: Shiraz University of Medical Sciences and Health Services. (Persian)
  52. SCI (2019). Questionnaire for survey on expenditure and income of urban and rural households. Tehran, Iran: Statistical Center of Iran. (Persian)
  53. Sen, A. (1992). Inequality reexamined. Oxford: Clarendon Press.
  54. Shirvanian, A. (2012). Identifying rural poverty patterns in Iran and studying the impact of targeted food subsidy on it: multidimensional poverty approach. PhD Thesis, Shiraz University, Shiraz, Iran. (Persian)
  55. Shirvanian, A. and Najafi, B. (2011). The effects of social capital on rural welfare and poverty (case study: villages under Doroudzan irrigation and drainage network). *Agricultural Economics*, 5(3): 25-53. (Persian)
  56. Shirvanian, A. and Torkamani, J. (2010). Poverty and risk attitudes in rural areas of Fars province. *Agricultural Economics*, 4(2): 83-105. (Persian)
  57. Sodeifi, R. (2007). Determination of Iranian governmental high school students' food habits and their comparison with food guide pyramid. *Journal of Nursing and Midwifery Urmia University of Medical Sciences*, 5(3): 117-125. (Persian)
  58. Tavakoli-Tabar, Z., Ahmadvand, M. and Sharifzadeh, M. (2014). Analysis of poverty of rural women in the villages of the central part of Boyer-Ahmad County. *Journal of Agricultural Economics and Development*, 28: 107-117. (Persian)
  59. Trego, R. (2011). The functioning of the Egyptian food-subsidy system during food-price shocks. *Development in Practice*, 21(4-5): 666-678.
  60. Tsui, K.Y. (2002). Multidimensional poverty indices. *Social Choice and Welfare*, 19(1): 69-93.
  61. Yousefi, A., Mahdian, S. and Khalaj, S. (2015). Determinants of multidimensional poverty in Iranian rural areas. *Journal of Rural Research*, 6(4): 699-721. (Persian)
  62. Ziaei, S.M., Shirani-Bidabadi, F. and Eshraghi, F. (2014). Analyzing factors affecting food insecurity in rural areas of Gorgan. *Journal of Rural Economics Research*, 1(2): 1-10. (Persian)